



اشتیاق (ادبیات فارسی)

یکی از اصطلاحات بکار رفته در **ادبیات فارسی**، **مشتق** بوده که در سنت **دستور زبان فارسی**، کلمه‌ای را که از ریشه فعل گرفته شده باشد «مشتق» می‌گویند.

فهرست مندرجات

- ۱ - مشتقات از فعل
- ۲ - مشتق در زبان‌شناسی جدید
- ۳ - تعریف تکواژ
- ۴ - انواع تکواژ
- ۵ - تعریف وند
- ۶ - تعریف ریشه
- ۷ - تعریف پایه
- ۸ - نقش وند
- ۸.۱ - وند تصریفی
- ۸.۲ - وند انشاقی
- ۸.۳ - تغییر با وند
- ۸.۴ - فرق وند تصریفی با اشتقاقی
- ۸.۵ - اقسام جایگاه وند نسبت به پایه
- ۸.۵.۱ - برخی پسوندها
- ۸.۵.۲ - مهجرت بین پیشوندها
- ۹ - تعریف میانوند
- ۱۰ - انواع اشتقاقی
- ۱۰.۱ - اشتقاق صفر
- ۱۰.۲ - اشتقاق معکوس
- ۱۱ - بانویس
- ۱۲ - منبع

مشتقات از فعل

- از ریشه فعل این صیغه‌ها مشتق می‌شود:
- (۱) **اسم مصدر**: دانش، بینش، کوشش؛
 - (۲) **مصدر**: خواستن، رفتن، نهادن؛
 - (۳) **امر حاضر**: بیاموز، بشنو، پوش، خور؛
 - (۴) **ماضی**: کوشید، رفت، خواند؛
 - (۵) **مضارع**: ریزد، زند، آید؛
 - (۶) **دعا**: یاد، میاد، کناد، مکناد؛
 - (۷) **اسم فاعل**: زننده، رونده، شونده؛
 - (۸) **صفت فاعلی**: خندان، گریان، مویان؛
 - (۹) **اسم مفعول**: کشته، زده، رفته؛
 - (۱۰) **مصدر مخفف**: گفت، آمد، دوخت؛
 - (۱۱) **حاصل مصدر**: گفتار، دیدار، کردار؛
 - (۱۲) **صیغه مبالغه**؛
 - (الف) **صفت فاعلی**: خریدار، خواستار؛
 - (ب) **صفت مفعولی**: گرفتار، مردار؛
 - (۱۳) **صفت مشبیه**: دانا، خوانا، توانا.

در زبان‌شناسی جدید، مشتق به کلمه‌ای گفته می‌شود که با افزوده شدن «وند» به آن ساخته شده باشد. برای بحث درباره اشتقاق در زبان‌شناسی جدید، باید نخست با تعریف چند اصطلاح آشنا شویم.

تعریف تکواژ

تکواژ: کوچکترین واحد تجزیه ناپذیر زبان که محتوایی معنایی یا نقشی دستوری دارد، مانند: «دانش» که از دو تکواژ «دان» و «ش» تشکیل شده است.

انواع تکواژ

تکواژ آزاد: تکواژی است که بتوان آن را به تنهایی و به طور مستقل به کار بُرد؛ مانند: زن، مرد، کتلب، قلم.
تکواژ وابسته: تکواژی است که کاربرد مستقل ندارد و صرفاً همراه با تکواژهای دیگر به کار رود، مانند: «مند» و «کده» در «هنرمند» و «دانشکده».

تعریف وند

وند: تکواژ وابسته‌ای است که به یک **کلمه** می‌پیوندد و در آن تغییری معنایی یا **نحوی** پدید می‌آورد، مانند: «مند» و «-کده» در مثال‌های بالا و نیز «ش» و «-ا» در کلمات «کوشش» و «دانا».

تعریف ریشه

ریشه: عبارت است از هسته تجزیه ناپذیر هر کلمه، یعنی عنصری بنیادین که هیچ وندی به آن افزوده نشده باشد، مانند: «دانشمندان»، که «دان» ریشه است.

تعریف پایه

پایه: واحدی است که وند به آن افزوده می‌شود، مانند: «گزارشگر»، که «گزارش» برای پسوند «-گر» پایه است. در خود «گزارش» نیز «گزار» پایه‌ای است برای پسوند «-ش».

نقش وند

وند از نظر نقشی که بر عهده دارد بر دو نوع است:

← وند تصریفی

با وندهای تصریفی کلمه جدید ساخته نمی‌شود، بلکه صورت تازه‌ای از کلمه به دست می‌آید، مثلاً **اسم** مفرد به جمع تبدیل می‌شود، مانند:
مرد+ها = مردها
درخت+ان = درختان

← وند اشتقاقی

وند اشتقاقی اگر به کلمه‌ای بپیوندد، کلمه جدیدی می‌سازد، مانند:
خطر+ناک = خطرناک
دانش+مند = دانشمند
آهن+گر = آهنگر

← تغییر با وند

(۱) وند اشتقاقی معمولاً مقوله کلمه را تغییر می‌دهد. این تغییر گاه کلی است و گاه جزئی.
اگر وند باعث شود که مقوله اصلی کلمه تغییر کند، تغییر کلی است، و اگر تغییر در درون یک مقوله صورت گیرد، تغییر جزئی است، مانند:
کوش+ش = کوشش (تغییر کلی: فعل به اسم)
غم+گین = غمگین (تغییر کلی: اسم به صفت)
دانش+کده = دانشکده (تغییر جزئی: اسم مصدر به اسم مکن)
آهن+گر = آهنگر (تغییر جزئی: اسم جنس به اسم حرفه)

(۲) اماوند تصریفی مقوله کلمه را تغییر نمی‌دهد، چنان‌که وندهای تصریفی «-ها» و «-ان» مقوله کلمت «مردها» و «درختان» را تغییر نمی‌دهد.

← فرق وند تصریفی با اشتقاقی

- (۱) وند تصریفی در **قیلین** با وند اشتقاقی شمول بیشتر و استثناهای اندکی دارد. مثلاً وندهای تصریفی «-تر» و «-ترین» تقریباً به همه صفت‌ها افزوده می‌شوند و **صفت تفضیلی** و عالی می‌سازند، مانند: بزرگتر، بزرگترین، ماهرتر، ماهرترین.
- اما وند اشتقاقی استثناهای بسیار دارد، مثلاً با افزون پسوند «-ار» به ماده **فعل ماضی** می‌توان **اسم ساخت**، اما با این فرایند عملاً تنها شمار معدودی واژه ساخته می‌شود؛ مانند: کردار، گفتار، رفتار، خواستار، خریدار.
- (۲) وند تصریفی در مقایسه با وند اشتقاقی اغلب دورتر از ریشه قرار می‌گیرد، چنان‌که در کلمه «دانشمندان»، پسوند تصریفی «-ان» پس از وندهای «ش» و «-مند» قرار گرفته است.

← اقسام جایگاه وند نسبت به پایه

وندها از نظر جایگاهی که نسبت به پایه خود دارند بر سه نوع اند: **پسوند**، **پیشوند**، **میانوند**، پیشوند قبل از پایه و پسوند بعد از پایه جای می‌گیرد.

← برخی پسوندها

- (۱) ی (اسم ساز): درستی، خوبی، درستی؛
(۲) ی (صفت ساز): هنری، شهری، آسمانی؛
(۳) ه (اسم ساز): گیره، تیغه، هفته؛
(۴) نده (اسم/صفت ساز): نویسنده، گوینده، آموزنده؛
(۵) ک (اسم مصدر ساز): شهرک، شلوارک، جوانک؛
(۶) گر (اسم حرفه): آهنگر، شیشه‌گر، زرگر؛
(۷) یش (اسم مصدر ساز): کوشش، دانش، پرورش؛
(۸) ناک (صفت ساز): ترسناک، اندوهناک، خطرناک؛
(۹) مند (صفت ساز): خرمند، دانشمند، شکوهمند؛
(۱۰) ین (صفت ساز): زرین، ننگین، پسین.

← مهم‌ترین پیشوندها

- (۱) نا (صفت ساز): نامید، نادرست، ناآگاه؛
(۲) ب (صفت ساز): بجا، بهوش، بسزا؛
(۳) با (صفت ساز): باهوش، باعرضه، باسواد؛
(۴) هم (اسم ساز): همدرس، هم اطلاق، همراه.

تعریف میانوند

میانوند در میان ریشه قرار می‌گیرد، مثلاً در **عربی** سه صامت «ک ت ب» را ریشه کلمت «کتاب» و «کاتب» به شمار می‌آورند. بنابراین، مصوت‌ها، میان این سه صامت جای می‌گیرند و واژه‌های جدیدی می‌سازند.

انواع اشتقاق

برای اشتقاق تقسیم‌بندی به شرح ذیل ذکر شده است:

← اشتقاق صفر

فرآیندی است که در آن، بی‌آنکه وندهای کلمه افزوده شود، مقوله کلمه تغییر می‌کند، مثلاً، شماری از ماده‌های ماضی افعال، علاوه بر معنی فعلی خود، معنی مصدری نیز دارند. در دستورهای سنتی، آن‌ها را **مصدر مرخم** می‌نامند، مانند کاشت، گفت، پخت، ساخت، یافت.

← اشتقاق معکوس

با حذف عنصری که اهل زبان تصور می‌کنند یک وند است کلمه جدیدی ساخته می‌شود. مثلاً فارسی زبانان به تصور این‌که در کلمه «قلعی»، «ی» پسوند صفت‌ساز است (مانند «ی») در «مسی» و «کتابی») «ی» را حذف کرده‌اند و کلمه «قلع» را ساخته‌اند، حال آن‌که «قلعی» در عربی اسم است.

[۱] سعادت، اسماعیل، دانش‌نامه زبان و ادب فارسی، تهران، سازمان انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۴۳۰.

۱. [↑](#) سعادت، اسماعیل، دانش‌نامه زبان و ادب فارسی، تهران، سازمان انتشارات و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۴۳۰.

سایت پژوه، برگرفته از مقاله «انشقاق»، تاریخ بازبینی ۱۳۹۷/۰۷/۰۹.

رده‌های این صفحه: [آرایه‌های ادبی](#) | [اصطلاحات ادبیات فارسی](#) | [علم بدیع](#)